

”سعادت هر جامعه در داشتن بانوانی موفق است“

گاهنامه فرهنگی، اجتماعی



موفقیت

صاحب امتیاز: مدیر مسئول و سردبیر: نازنین وکیلی امینی

سال دوم شماره 2

آبان 1398

شماره مجوز: 1161/ف

سرمقاله

در محیط دانشگاه خودتان، با نشریات خودتان، با نشریات زن با دیگر نشریات رایج صحبت کنید، چیزهایی بنویسید، بخش کنید، در جامعه فکر را پراکنده، منتهمی با استدلال، با منطق، بهترین راه تامین حجاب هم همین است که با منطق برخورد شود. البته اگر چیزی جزو مقررات شد و کسی برخلاف آن مقررات رفتار کرد، ممکن است قوانینی وجود داشته باشد که دولت برخورد کند؛ که لابد هم میکند. در عین حال آن چیزی که در اساس لازم است و مهمتر از همه است، این است که شما ذهن این دختر جوان، یا این زن جوان را- که عمده هم خانمهای جوان هستند- با اهمیت حجاب آشنا کنید، یعنی به او تفهیم کنید که حجاب از لحاظ شرعی و از لحاظ منطقی این است. در ذهن او، استدلال صحیح را در مورد رعایت حجاب راسخ کنید. امیدواریم که-ان شاءالله- روز به روز بهتر شود.

مقام معظم رهبری در جلسه ی پرسش و پاسخ با مدیران مسئول نشریات دانشجویی ۷۷/۱۲/۴

عصبانی هستم!

هرچند که با دیدن عکس آقای بازیگر روی پوستر متوجه شدم این فیلم اصلا مرا جذب نخواهد کرد، اما حرف هایی که در زمان دیدن پوستر در دست صاحبانشان با افراد دیگر (که نمیتوانم از آنها اسمی ببرم) مرا ترغیب به تماشای فیلم کرد. روزهای آینده هم دیدن پوسترهای بدون مهر حفاظت فیزیکی (که این هم خود جای سوال داشت!) به من یادآوری میکرد که حتما به تماشای فیلم بروم. سالن تقریبا شلوغ بود، ناگفته نماند که قبل از رفتن به آمفی تئاتر، خودم از چند دانشجو شنیدم که برای فرار از بیکاری میخواهند فیلم را تماشا کنند؛ با خودم گفتم بیچاره دانشجو!

با شروع فیلم سعی کردم نظر نامساعدم به آقای بازیگر را نادیده بگیرم و بدون هیچ نظری فیلم را تماشا کنم. اما با شروع صحنه های رمانتیک! صحبت یکی از آنهايي که روز اول دیدم در سرم پیچید... فیلم جو ناامیدی داره برای دانشجو و ناامیدی آن گوینده با صدای خنده های حضار در تضاد بود!

تا به اینجا داستان چیزی جز آموزش بوس فرستادن دختر برای پسر و خوشحالی دختر زمانی که پسر شماره اش را به او داد نداشت! بواش بواش با دیدن بازی کردنشان با همدیگر و نشان دادن سایه شان (آن هایی که فیلم را تماشا کرده اند لاجرم این صحنه را هم دیدند، که ای کاش نمیدیدیم... ولی نگارنده از توضیح بیشتر معذور است) احساس داغی در سرم داشتم و وقتی که این صحنه ها برای حضار خنده دار به نظر میرسید، این حرارت بیشتر میشد و من علت این حجم از ذوق آنها را نمیفهمیدم...

لفظ نامزد چند بار در فیلم به میان آمد و اواخر فیلم پسر که گفت دوست دخترتم! و نشان میداد که شب ها این دختر بعد از پدرش به خانه میرود و در این داستان پدر این دختر به جز مشکلات مالی پسر با هیچ مسئله ی دیگری در این ارتباط مشکلی نداشت بیشتر حال مرا بد میکرد.

از شما چه پنهان! اواخر فیلم من هم مثل آقای بازیگر در ذهنم با خودم تکرار میکردم عصبانی نیستم! البته این تاثیرپذیری من از فیلم نبود؛ سعی میکردم با این حرف خودم را دلداري دهم، اما نشد.

دیگر فقط به روند اکران فیلم در دانشگاه فکر میکردم که تایید این اکران (و تمام برنامه های فرهنگی) در شورای به اصطلاح فرهنگی دانشگاه می باشد؛ و به این موضوع که تمام آنهايي که این محتوا را برای اکران تایید کردند یا آنهايي که مخالفتی با آن نداشتند باید در پیشگاه خدا پاسخگو باشند که این ها میتواند مقدمه ی عادی سازی روابط و حتی گمراهی آن هایی باشد که به واسطه ی تایید شم ا به تماشای فیلم نشستند...

وقتی که فیلم به پایان رسید، دیدم آن فرد بیراهه نگفته بود، پایان فیلم ناامیدی داشت و من از دانشگاه و مسئولین فرهنگی دانشگاه کامل ناامید شدم...

نامه سوم



تو سعی کن امیر دنیا باشی، نه اسیر آن. اگر بخواهی امیر باشی و در بائلاق نما، باید هدف را فراموش کنی و از حرکت چشم نبوشی. باید سنگ راه دیگران نمایی و گرد و خاک بلند کنی. در زن، جلوه کردن ها و خودنمایی ها ریشه دار است. می خواهد چشم ها را به خودش جلب کند و زبان ها را به دنبال خود بکشد. مواظب باش اسیر چشم ها و زبان ها نشوی و سعی کن تا به گونه ای حرکت کنی که خلق خدا را گرفتار حالت ها و رفتار نسازی و آن ها را اسیر نمایی، که اگر کسی آلوده شد، این آلودگی دامان تو را می گیرد و تو را رها نمی سازد. حجاب یعنی همین دفت در برخورد، که آلوده نشوی و آلوده نسازی. که اسیر نشوی و اسیر نمایی. حجاب فقط این نیست که زن خود را بپوشاند، که زن و مرد، هر دو باید در این دنیایی که راه است و میدان حرکت است و کلاس و کوره است، سنگ راه نباشند و دیگران را در خود اسیر نسازند و چشم ها و دل ها را نگه ندارند و در دنیا نمانند.

استاد علی صفایی حائری، نامه های بلوغ، صفحه 132

معرفی کتاب

گفتگو با دانشجوی سابق دانشگاه و فعال در حوزه ی زن و خانواده و صحبت درباره ی "تافت"

سلام، لطفاً خودتون رو معرفی کنید و بفرمایید چه زمانی دانشجوی دانشگاه رازی و مشغول چه کارهایی بودید؟ سلام، سیده ترگس میرعالی هستم، خوزستانی هستم و لی حدوداً ۷ سال کرمانشاه زندگی کردم، ورودی سال ۹۰ رشته زیست شناسی سلولی مولکولی دانشگاه رازی و ورودی سال ۹۴ رشته میکروبیولوژی همین دانشگاه؛ در سالهای دانشگاه در تشکل های فرهنگی، سیاسی دانشگاه فعالیت داشتم. الان، بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه مشغول به چه کاری هستید؟ در حال حاضر دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه پیام نور تهران هستم و در بخش فعالیت های فرهنگی و اجتماعی، در حال حاضر بیشتر در حوزه تربیت کودک و رسانه کار میکنم و مدیر موسسه ی رسانه های دیجیتال آفرینش های فرهنگی صابری هستم.

شما کتابی دارید به اسم تافت، میشه از کتاب برامون بگید؟ چطور شد که این کتاب رو نوشتید؟ بله، کتابی هست با عنوان تافت (زنان آفریننده ی همه تحولات و انقلابها)، این کتاب رو من در مقطع کارشناسی ارشدم کار کردم؛ خوب چون دو سال سردبیر نشریه ی تخصصی بانوان استان کرمانشاه بودم و در حوزه ی زن و خانواده فعالیت داشتم به این نتیجه رسیدم که خوب است درباره این موضوع یک کتاب کار شود و در آن مباحث مربوط به اثبات نقش و جایگاه مهم زنان کنار هم آورده شود، همانطور که میدانید کتاب تالیف نیست بلکه گردآوری است با محوریت تاپید در مقدمه ی کتاب. در کتاب تافت، یک جمله مطرح شده که زنان آفریننده ی تمامی تحولات و انقلاب ها بودند و هستند و بعد از آن در بخش های مختلف کتاب در اثبات این سخن مصادیق مختلف در کنار هم آمده اند. به عنوان مثال زنان قرآن، نقش زنان در تاریخ اسلام؛ مثلاً شخصیتی مثل حضرت خدیجه سلام الله علیها اگر نبودند قطعاً مسیر نشر اسلام با سختی های بیشتری مواجه میشد و دیگر زنان اسلام. فصل های دیگر شامل: زنان در انقلاب، زنان در دفاع مقدس و شهدای زن است.

-اسم کتاب به چه معناست؟ علت نامگذاریتون رو بفرمایید. کلمه ی تافت در زبان کردی به زنان گفته میشود و در فارسی به معنای آفریننده می باشو و این دقیقاً همان مطلبی است که ما در این کتاب با گردآوری مصادیق مختلف قصد اثباتش را داشتیم. زن آفریننده است، آفریننده ی همه ی تحولات و انقلاب ها. توان خلق انسان، مربی گری و تربیت انسان برای رسیدن به کمال انسانی و غایتی که برای آن خلق شده، از ویژگی هایی است که خداوند زن ها را به آن مخصوص گردانده و از همین رو بزرگان، زنان را سازندگان تمدن های بشری و به عبارت دیگر زن را مظهر تحقق آمال بشر میدانند.

-سخن آخر با خوانندگان؟

امام خمینی (ره) یک جمله ای دارند که تیمی از جامعه را زنان تشکیل میدهند و نیم دیگر جامعه را تربیت میکنند. این نشان از نقش حساس و مهم زنان دارد. امیدوارم خاتم های ما جایگاه حساس خودشون رو درک کنند و زهرا وار و زینبی زندگی کنند. بنده از هم صحبت شدن با دوستانم در دانشگاه رازی کرمانشاه خیلی خوشحال شدم و آرزوی موفقیت و سعادت دارم برای همه ی بزرگواران. -ممتشکر از شما بابت وقتی که در اختیار ما گذاشتید. موفق و موید باشید.